



A Review of the Possibility of Obliging the Drawer of a Check to Register it in the “Sayyad” System: A Case Study of a Judgment

 **Mohammad Mahdi Tavakoli**

Ph.D. in Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.
lawyer.tavakoli@gmail.com

 **Mohammad Hashemi**

LLB Student, Faculty of Islamic Studies and Law, Imam Sadiq (AS) University, Tehran, Iran.
(Corresponding Author)
m.hashemi.econlaw@isu.ac.ir



Abstract

In the Iranian legal system, check is regarded as one of the most significant commercial instruments and plays an essential role in facilitating economic transactions. In recent years, the legislature, with the aim of enhancing transparency and reducing financial misconduct, has made substantial reforms to the legal framework governing checks. The recent reforms in the legal system governing checks, particularly after enforcing reforms concerning the Sayyad system, have generated new challenges in the interpretation and application of the relevant rules. One of the most important of these challenges concerns the possibility or impossibility of initiating a claim to oblige the drawer to register a check in the Sayyad system a dispute that has led to different and sometimes conflicting opinions from the courts in recent years, leading to controversies and differences of opinion.

Carefully examining a judgment rendered by the Appellate Court of Tehran Province and analyzing the legal reasoning relied upon therein in light of the broader Iranian legal framework, this article seeks to determine whether drawing a check without registration *in*

Journal of Critical Analysis of
Judicial Decisions

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 4 | No. 8 | Fall 2025 Winter
2026 (Original Article)

www.Analysis.illrc.ac.ir

DOI:


10.22034/analysis.2025.2074355.1128

the Sayyad system can constitute a ground for bringing an action to oblige the drawer to register it in the aforementioned system. The research adopts a descriptive-analytical method and is based on library sources. The findings obtained show that registration of checks in the Sayyad system is considered a fundamental element in the process of drawing checks under the Iranian legal system and failure to do so excludes the instrument from the scope of the Law on Issuance of Checks and turns it into a private deed with more limited effects. From this perspective, obliging a person to register a check in the Sayyad system is not consistent with the legal system governing checks in Iran and such an action lacks a valid legal basis and is therefore not admissible. The advisory opinions of the Legal Department of the Judiciary, the bylaws issued by the Central Bank, and legal doctrine also support this view. The significance of these findings has been reinforced by Binding Precedent No. 870 rendered by the Supreme Court, a decision that expressly states that accepting an unregistered check deprives the holder of statutory privileges and that an action seeking to oblige a drawer is not admissible. This decision confirms the analysis presented in the article and clarifies the future judicial precedent in this area.

Keywords: commercial law, negotiable instruments, check, obliging a drawer to register checks, drawing a check, Sayyad system, judgments.




بررسی امکان الزام به ثبت چک در سامانه صیاد؛ مطالعه موردی یک رأی قضایی

محمد مهدی توکلی 

دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

lawyer.tavakoli@gmail.com

محمد هاشمی 

دانشجوی کارشناسی حقوق، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران (نویسنده مسؤل)
m.hashemi.econlaw@isu.ac.ir



دوفصلنامه نقد و تحلیل آراء قضایی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۴ | شماره ۸ | پاییز و زمستان ۱۴۰۴
(مقاله پژوهشی)

www.Analysis.Illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/analysis.2025.2074355.1128

چکیده

در نظام حقوقی ایران، چک به عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد تجاری، نقش اساسی در تسهیل مبادلات اقتصادی دارد. در سالهای اخیر، قانون‌گذار به منظور افزایش شفافیت و کاهش تخلفات مالی در خصوص چک، تحولاتی را در نظام حقوقی حاکم بر آن رقم زده است. تغییرات اخیر در نظام حقوقی حاکم بر چک، بویژه پس از اجرای اصلاحات مرتبط با سامانه صیاد، موجب بروز چالشهای نوینی در تفسیر و اجرای مقررات شده است. یکی از مهم‌ترین این چالشها، امکان یا عدم امکان طرح دعوای الزام به ثبت چک در سامانه صیاد است؛

دعوایی که در سالهای اخیر با آراء متفاوت و بعضاً متعارض از سوی محاکم مواجه شده و مناقشات و اختلاف نظرهایی را رقم زده است. این مقاله با بررسی دقیق یکی از آراء دادگاه تجدیدنظر استان تهران و تحلیل استدلالهای مورد استناد آن در پرتو نظام حقوقی ایران، می‌کوشد پاسخ دهد که آیا می‌توان صدور چک بدون ثبت در سامانه صیاد را، مفید طرح دعوای الزام به ثبت آن در سامانه مذکور

دانست یا خیر. روش این پژوهش به صورت تحلیلی-توصیفی است و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که ثبت چک در سامانه صیاد، رکن اساسی در فرآیند صدور چک در نظام حقوقی ایران محسوب می‌شود و عدم ثبت آن، موجب خروج چک از شمول قانون صدور چک و تبدیل آن به سندی عادی با آثار محدودتر است. از این منظر، الزام شخص به ثبت چک در سامانه صیاد، با نظام حقوقی حاکم بر چک در ایران همخوانی نداشته و دعوای الزام به ثبت چک فاقد مبنای قانونی بوده و قابلیت استماع ندارد. نظرهای مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه، بخشنامه‌های بانک مرکزی و دکترین حقوقی نیز مؤید همین برداشت است. اهمیت یافته‌های این پژوهش با رأی وحدت‌رویه شماره ۸۷۰ دیوان عالی کشور برجسته‌تر می‌شود؛ رأیی که به‌صراحت اعلام می‌کند، پذیرش چک ثبت‌نشده موجب محرومیت دارنده آن از مزایای قانونی است و دعوای الزام به ثبت قابلیت استماع ندارد. این رأی، برداشت ارائه‌شده در مقاله را تأیید و مسیر آینده رویه قضایی را روشن می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: حقوق تجارت، اسناد تجاری، چک، الزام به ثبت چک، صدور چک، سامانه صیاد، آراء قضایی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

متن رأی

دادنامه شماره ۱۷۳۵/۱۵۴۰۱۳۹۰۰۳۶۸۱۴۰۳ شعبه ۱۰۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران (مجتمع قضایی شهید سلیمانی): [«در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای ... به طرفیت آقای ...، نسبت به دادنامه شماره ۱۲۲۹۶۹۳۲/۱۳۹۰۰۳۹۱۳۹۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۸ صادره از دادگاه عمومی حقوقی شهرستان شهریار که به موجب آن در خصوص خواسته تجدیدنظرخواه مبنی بر الزام تجدیدنظرخوانده به ثبت شش فقره چک در سامانه صیاد به شماره‌های ... چنین استدلال و حکم صادر نموده: «... نظر به این که ثبت چک از حقوق صادرکننده است؛ چراکه ثبت سبب انتقال چک و بار شدن آثار تجاری بدان است و نمی‌توان صادرکننده را ملزم به این تعهد بدون رضایت وی نمود. بر فرض وجود رابطه قراردادی میان دو طرف و وجود دین برای صادرکننده چک، اعطای چک به خواهان تغییر نحوه پرداخت وجه است و این تغییر بدون توافق طرفین امکان‌پذیر نیست و عدم ثبت چک دلالت بر عدم رضایت دارد و نشانگر این امر است که، صادرکننده نمی‌خواهد، آثار و امتیازات اسناد تجاری به نفع دارنده به وجود آید، لذا دادگاه خواسته خواهان را مقرون به صحت ندانسته و مستنداً به مواد ۲۱۹ قانون مدنی و ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی حکم به بطلان دعوی خواهان صادر و اعلام می‌نماید. ...» اعتراض تجدیدنظرخواه در دادخواست تقدیمی به این شرح است: «... با توجه به فروش یک دستگاه خودرو ولو به شماره ۴۵ ایران ۲۱۴ و ۴۸ توسط اینجانب به آقای ... و انتقال سند خودرو مذکور به درخواست ایشان به نام آقای ... و انجام کامل تعهدات خودم نسبت به انتقال سند خودرو، ولی متأسفانه طی مراجعات متعدد بابت ثبت چکهای مذکور، هیچ‌گونه اقدامی از ناحیه ایشان جهت تسویه یا ثبت چکها صورت نگرفته و حق اینجانب با استفاده از خلع بانکی از بین رفته است و با توجه به این که رأی‌های صادره از شعب متعدد نسبت به ثبت چکهای ثبت نشده صورت گرفته، لذا خواهشمندم نسبت به احقاق حق بنده دستور لازم را صادر فرمایید.» از نظر این دادگاه استدلال دادگاه بدوی مخدوش است و رأی صادره مخالف قانون می‌باشد و از نظر این دادگاه دعوی تجدیدنظرخواه به جهات ذیل موجه و قابل پذیرش است: ۱- تعهد ضمنی خوانده برای ثبت چک در سامانه صیاد؛ چرا که طبق عرف رایج در معاملات، چک باید به گونه‌ای تنظیم و صادر شود که قابل وصول باشد و تمام

امتیازات چک را داشته باشد، چرا که در غیر این صورت اغلب مردم از تحویل گرفتن چک امتناع نموده و چه بسا در صورت آگاهی از تبعات امر، از انجام معامله خودداری می‌نمایند. ۲- در اغلب موارد صدور چک، صادرکننده تعهد صریح بر ثبت چک می‌نماید، لیکن غالباً این تعهد شفاهی بوده و اثبات آن برای دارنده چک دشوار است. ۳- برخلاف برخی از نظرات در دکترین حقوق که الزام به ثبت چک را بی‌فایده دانسته و طرح دعوی مطالبه وجه چک ثبت نشده را توصیه می‌نمایند، بایستی دقت نمود که اصل بر آزادی اختیار و اراده اشخاص در انتخاب نوع دعوی بوده و اصل بر قابل استماع بودن دعاوی می‌باشد و نمی‌توان اختیار اشخاص را نادیده گرفت. از سوی دیگر استماع دعوی الزام به ثبت چک در سامانه صیاد، آثار قابل توجهی دارد که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: الف- امکان برگشت زدن چک و تحمیل محرومیت‌های مذکور در قانون چک به صادرکننده چک و وادار نمودن او به تکاپو جهت رفع محرومیت‌ها و سازش با دارنده چک. ب- امکان اخذ قرار تأمین خواسته بدون پرداخت خسارت احتمالی. ج- امکان اخذ اجرائیه بدون محاکمه موضوع ماده ۲۳ قانون چک بدون پرداخت هزینه دادرسی قابل توجه. د- امکان محاسبه خسارت تأخیر تأدیه چک از تاریخ چک تا زمان وصول. ه- امکان محکوم نمودن تضامنی نماینده شخص حقوقی طبق ماده ۱۹ قانون چک. ۴- طبق تبصره ۱ ماده ۲۱ مکرر قانون چک، «در مورد چکهایی که پس از گذشت دو سال از لازم‌الاجراء شدن این قانون صادر می‌شوند، تسویه چک صرفاً در سامانه تسویه چک (چکاوک) طبق مبلغ و تاریخ مندرج در سامانه و در وجه دارنده نهایی چک، براساس استعلام از سامانه صیاد انجام خواهد شد و در صورتی که مالکیت آنها در سامانه صیاد ثبت نشده باشد، مشمول این قانون نبوده و بانکها مکلفند از پرداخت وجه آنها خودداری نمایند. در این موارد، صدور و پشت نویسی چک در وجه حامل ممنوع است و ثبت انتقال چک در سامانه صیاد جای‌گزین پشت نویسی چک خواهد بود. چکهایی که تاریخ صدور آنها قبل از زمان مذکور باشد، تابع قانون زمان صدور می‌باشد.»

مفاد این تبصره بدین معناست که صدور چک امری متفاوت از ثبت مالکیت آن در سامانه صیاد است و در مانحن فیه صدور چک انجام شده و تجدیدنظر خوانده با وجود ابلاغ واقعی هیچ‌گونه ایرادی در مورد اصالت امضات منتسب به خود ننموده و گواهیهای صادره از

بانک مربوط نیز حاکی از صدور چک از حساب وی بوده و مدارک منضم به دادخواست تجدیدنظر خواهی در مورد معامله خودرو و تحویل چک ها در قبال آن حاکی از مالکیت تجدیدنظر خواه بر چکها می باشد و تجدیدنظر خوانده با وجود ابلاغ واقعی در مقام تبادل لوابیح هیچ گونه پاسخی در این خصوص نداده است. حال با توجه به وجود اصل چکها نزد تجدیدنظر خواه و مالکیت وی بر آنها، صرفاً ثبت مالکیت در سامانه انجام نشده که استنباط و تفسیر این دادگاه از تبصره ۱ ماده ۲۱ مکرر قانون فوق این است که ثبت مالکیت دارنده چک در سامانه صیاد تکلیف صادرکننده است نه حق وی و البته ممکن است در معامله ای شرایط مقرر طرفین به گونه ای باشد که برای صادرکننده شرایط خاصی در مورد ثبت مالکیت در سامانه صیاد در نظر گرفته شود که در مانحن فیه دلیلی بر وجود چنین شرایطی ارائه نشده است. بنابراین با عنایت به شرایط اجابت خواسته و احراز تعهد عرفی و قانونی تجدیدنظر خوانده به ثبت چکهای فوق در سامانه صیاد به استناد ماده ۲۲۰ قانون مدنی و مواد ۳ و ۴ و تبصره ۱ ماده ۲۱ مکرر قانون چک تجدیدنظر خوانده را به ثبت شش فقره چکهای فوق (که مبلغ و تاریخ هر کدام در تصویر اوراق چکها منضم دادخواست بدوی مشخص است) در سامانه صیاد می نماید. رأی صادره حضوری و قطعی است.»

مقدمه

در نظام حقوقی ایران، اسناد تجاری بویژه چک، به عنوان ابزاری حیاتی در تسهیل مبادلات اقتصادی و تجاری ایفای نقش می کنند. اهمیت چک در روابط مالی تا حدی است که قانون گذار همواره با وضع مقرراتی سعی در حفظ اعتبار و امنیت این سند تجاری داشته است. در سالهای اخیر، یکی از الزامات جدیدی که در نظام بانکی ایران به اجرا درآمده است، ثبت چک در سامانه صیاد است.

چک صیادی نوعی از چک عادی است که در بستر سامانه صیاد (سامانه صدور یکپارچه دسته چک) و تحت نظارت مستقیم بانک مرکزی صادر می شود. این سامانه با هدف افزایش شفافیت، اعتبارسنجی دقیق متقاضیان، یکسان سازی فرمت چکها، و ارتقای امنیت صدور و وصول چک طراحی شد و از سال ۱۳۹۶ به طور رسمی راه اندازی شد. پیش از آن، صدور دسته چکها توسط هر بانک به صورت مستقل انجام می شد و فرم، رنگ و شیوه بررسی صلاحیت متقاضی، وحدت رویه نداشت. با راه اندازی سامانه صیاد، بانک مرکزی

مسئول اعتبارسنجی نهایی متقاضی از طریق سامانه‌های هویتی مانند نهاب شد و تنها در صورت تأیید شرایط قانونی (از جمله نداشتن سابقه چک برگشتی بدون رفع سوء اثر)، شناسه‌های یکتا برای هر برگ چک صادر می‌کند. چکهای صیادی جدید که از ابتدای سال ۱۴۰۰ جای‌گزین چکهای قبلی شده‌اند، ضمن تفاوت از نظر ظاهری (رنگ صورتی، بارکد دوبعدی، شناسه ۱۴ رقمی و عبارت تأکیدی ثبت در سامانه) با چکهای قدیمی، از حیث صدور، انتقال و وصول آنها مشروط به ثبت اطلاعات در سامانه صیاد است. مطابق ماده ۲۱ مکرر قانون صدور چک، بانکها تنها زمانی مجاز به کارسازی این چکها هستند که کلیه مراحل ثبت (اعم از صدور، تأیید و انتقال) به صورت الکترونیکی آن انجام شده باشد. (کریمی و درویش‌زاده، ۱۴۰۴، ص. ۹-۱۰)

این الزام به عنوان یک نوآوری قانونی و فناورانه مطرح شده است که هدف اصلی آن افزایش شفافیت، کاهش تخلفات مالی و تسهیل در پیگیری حقوقی چکهای صادرشده است. با این حال، در برخی دعاوی حقوقی، اختلاف‌نظرهایی در خصوص الزام صادرکننده به ثبت چک در سامانه صیاد به وجود آمده است که بررسی آنها باتوجه به اهمیت این سند تجاری، ضروری به نظر می‌رسد.

مقاله حاضر به تحلیل پرونده‌ای اختصاص دارد که موضوع اصلی آن ثبت نشدن چکهای صادرشده در سامانه صیاد و مناقشه ناشی از آن است. در این پرونده، خواهان با استناد به تحویل گرفتن شش فقره چک از خوانده که در سامانه صیاد ثبت نشده بودند، دادخواست الزام به ثبت چک را تقدیم دادگاه کرد. این پرونده ابتدا در دادگاه بدوی مورد رسیدگی قرار گرفت و سپس با تجدیدنظرخواهی به دادگاه تجدیدنظر استان ارجاع شد. رأی دادگاه تجدیدنظر، برخلاف نظر دادگاه بدوی صادر شده که نشان‌دهنده اختلاف روی کرد قضایی در تفسیر الزامات قانونی مرتبط با سامانه صیاد است.

پژوهش پیش‌رو با هدف نقد و تحلیل رأی دادگاه تجدیدنظر در خصوص الزام به ثبت چک در سامانه صیاد انجام شده است. پرسش محوری در این پژوهش این است که آیا دادگاه‌ها می‌توانند بر اساس قوانین موجود، صادرکننده چک را به ثبت آن در سامانه صیاد ملزم کنند یا خیر؟ برای پاسخ به این پرسش، استدلالهای دادگاه تجدیدنظر مورد بررسی قرار می‌گیرد و تطابق یا عدم تطابق این رأی با موازین حقوقی تحلیل می‌شود.

ساختار مقاله به این ترتیب است که نخست، سوابق پرونده شامل شرح دعوا، روند دادرسی در مراجع قضایی و آراء صادر شده ارائه می‌شود. سپس، با تمرکز بر رأی دادگاه تجدیدنظر، استدلالهای حقوقی مطرح شده در این رأی از منظر قوانین و مقررات، اصول حقوقی و... تحلیل می‌شود. در نهایت، با جمع‌بندی نکات، پیشنهادهایی برای اصلاح رویه رسیدگی به چنین دعوایی ارائه خواهد شد.

۲. شرح و تحلیل رأی قضایی مورد نقد

در این بخش، ابتدا مروری کلی بر روند رسیدگی به پرونده ارائه خواهد شد تا چارچوب و سیر تحولات پرونده به طور روشن ترسیم شود. این مرور شامل بررسی مراحل مختلف رسیدگی، از جمله اقامه دعوا، ارائه ادله و مستندات، و نیز تصمیمهای اتخاذ شده در مراجع قضایی است. پس از آن، استدلالهای مطرح شده در رأی دادگاه تجدیدنظر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این نقد و بررسی، نه تنها به روشن‌تر شدن ابعاد مختلف پرونده کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز ارائه دیدگاههای تحلیلی و پیشنهادهای اصلاحی در راستای بهبود فرآیند دادرسی و تصمیم‌گیری قضایی خواهد بود.

۱-۲. مروری کلی بر روند رسیدگی به پرونده

دعوای مورد بررسی مربوط به یک اختلاف حقوقی ناشی از معامله‌ای است که در آن خواننده، شش فقره چک را به عنوان وسیله پرداخت ثمن معامله به خواهان تحویل داده است. خواهان در دادخواست خود، ضمن ارائه مستندات مربوط به شش فقره چک دریافتی و اعلامیه عدم ثبت چکها در سامانه صیاد، اعلام کرده است که این چکها در سامانه صیاد ثبت نشده‌اند. بر این اساس، خواهان از دادگاه تقاضا داشته که خواننده را به ثبت چکهای مزبور در سامانه صیاد ملزم کند تا وی بتواند از تمامی حقوق ناشی از یک سند تجاری بهره‌مند شود.

دادگاه بدوی، پس از بررسی پرونده و مستندات ارائه شده توسط خواهان، الزام خواننده به ثبت چک در سامانه صیاد را وارد ندانسته و حکم به بطلان دعوا صادر کرده و دعوای خواهان را غیرموجه دانسته است. با صدور رأی دادگاه بدوی، خواهان نسبت به آن

تجدیدنظر خواسته و استدلالهای جدیدی را مبنی بر لزوم ثبت چکهای مورد بحث از سوی خواننده مطرح کرده است.

دادگاه تجدیدنظر، پس از بررسی استدلالهای تجدیدنظرخواه و رأی دادگاه بدوی، استدلالهای دادگاه بدوی مبنی بر عدم امکان الزام خواننده به ثبت چک در سامانه صیاد را مورد نقد قرار داده و رأی دادگاه مزبور را نقض کرده است. بدین ترتیب، دادگاه تجدیدنظر با نقض رأی دادگاه بدوی، حکم به الزام خواننده به ثبت چکهای موضوع دعوا در سامانه صیاد صادر کرده است.

این بررسی مقدماتی از سابقه و پیشینه صدور رأی دادگاه تجدیدنظر، شناختی مناسب را برای ارزیابی دقیق تر و موشکافانه تر رأی فراهم می آورد. در بخش آتی مقاله، ضمن بررسی جامع استدلالهای ارائه شده توسط دادگاه تجدیدنظر جهت توجیه صدور حکم مذکور، به نقد و تحلیل این استدلالها پرداخته خواهد شد. این رویکرد تحلیلی نه تنها به درک بهتر مبانی حقوقی حکم صادره کمک می کند، بلکه زمینه را برای ارائه نقدهای سازنده و پیشنهادهای اصلاحی در راستای بهبود فرآیند دادرسی و تضمین هرچه بیشتر عدالت قضایی فراهم می سازد.

۲-۲. نقد و بررسی استدلالهای رأی دادگاه تجدید نظر

در فرآیند تحلیل یک رأی قضایی، فهم دقیق استدلالهای حقوقی پشتیبان آن، گام نخست برای ارزیابی انتقادی و تعیین اعتبار قانونی حکم است. در این بخش از مقاله، با رویکردی دوگانه، ابتدا به بازخوانی منظم و بی طرفانه استدلالهای مطرح شده در رأی پرداخته خواهد شد و سپس هر یک مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت. از رهگذر این بررسی، هدف آن است که همسویی یا ناهمسویی رأی با مبانی حقوقی و اهداف عدالت محور نظام قضایی آشکار شود. چنین تحلیلی، افزون بر روشن گری درباره ماهیت رأی، می تواند به عنوان چراغی برای بحثهای آتی در حوزه نظری و عملی حقوق نیز عمل کند.

۲-۲-۱. استدلالهای اول و دوم

۲-۲-۱-۱. تشریح استدلالها

در این قسمت، دو استدلال اولیه ارائه شده توسط دادگاه تجدیدنظر، به دلیل ارتباط و پیوند نزدیک آنها با یکدیگر، مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرند. این دو استدلال را می توان به شرح زیر بیان کرد:

در استدلال اول، دادگاه تجدیدنظر به این نکته اشاره می‌کند که: «تعهد ضمنی خواننده برای ثبت چک در سامانه صیاد [وجود دارد؛] چرا که طبق عرف رایج در معاملات، چک باید به گونه‌ای تنظیم و صادر شود که قابل وصول باشد و تمام امتیازات چک را داشته باشد؛ چرا که در غیر این صورت، اغلب مردم از تحویل گرفتن چک امتناع کرده و چه بسا در صورت آگاهی از تبعات امر، از انجام معامله خودداری می‌کنند.» در ادامه، دادگاه در استدلال دوم خود، به وجود تعهد صریح مبنی بر ثبت چک در برخی از معاملات تاکید می‌کند و بیان می‌دارد: «در اغلب موارد صدور چک، صادرکننده تعهد صریح بر ثبت چک می‌کند؛ لیکن غالباً این تعهد شفاهی بوده و اثبات آن برای دارنده چک دشوار است.» استدلال دوم نیز با استدلال اول مرتبط است؛ زیرا در هر دو مورد، دادگاه تجدیدنظر، بر وجود یک نوع تعهد (صریح یا ضمنی) در معاملات اشاره دارد که در نتیجه وجود این تعهد، صادرکننده را ملزم می‌کند که چکهای تحویل داده شده را در سامانه صیاد ثبت کند. از این جهت، هر دو امر ضمن یک قسمت تحلیل و بررسی می‌شوند.

برای فهم دقیق‌تر استدلالهای اول و دوم دادگاه تجدیدنظر، لاجرم باید نکاتی در زمینه تعهدات قراردادی ذکر شود. تعهد در لغت به معنای برعهده گرفتن و عهد و پیمان بستن آمده است. (محقق داماد، قنواتی، وحدتی شبیری و عبدی‌پور، ۱۳۷۹، ص. ۶۸) و در اصطلاح حقوقی، یک رابطه حقوقی یا وضعیت حقوقی است که یک طرف را ملزم به انجام فعل نفیاً یا اثباتاً می‌کند. (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص. ۱۰۸) اسباب و صنایع تعهداتی که گاه بر عهده اشخاص است، می‌تواند مختلف باشد. منابع تعهدات را به اعمال حقوقی و وقایع حقوقی تقسیم نموده‌اند. منابع تعهد در قانون مدنی دو چیز است: ۱- عقود، قانون مدنی از ماده ۱۸۳ به بعد تعهداتی را که از عقد و قرارداد ناشی می‌شود بیان کرده است. ۲- خارج از عقود (ضمان قهری) که قانون به چهار عنوان تقسیم کرده است: الف. غصب، ب. اتلاف، ج. تسبیب، د. استیفاء که از ماده ۳۰۰ تا ۳۳۷ بیان کرده است. (جعفری نگرودی، ۱۳۷۲، ص. ۲۳۱) در تحلیل حقوقی تعهد، حقوق دانان اوصافی را برای آن بیان کرده است: الف. رابطه حقوقی بودن تعهد؛ ب. الزام‌آور بودن؛ ج. اختصاص به حقوق مالی و دین داشتن تعهد. (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص. ۲۳۱) در قراردادهای، گاه تعهدات در متن عقد ذکر می‌شوند و گاه ذکر نمی‌شوند. بدین لحاظ شروط قرارداد، به شرط صریح و

ضمنی تقسیم می‌شود. شرط صریح تعهدی است که در متن عقد بیان می‌شود و هر يك از طرفین عقد موظف است طبق شرط مذکور در عقد رفتار کند و متعهد نمی‌تواند از ایفای شرط تصریح شده در عقد شانه خالی کند. منظور از تصریح این است که جمله شرط به دلالت مطابقی بر مفاد شرط دلالت کند، نه به دلالت تضمینی یا دلالت التزامی؛ مثل آن که در ضمن عقد بیع تصریح شود که کالای مورد معامله باید قبل از حمل، بیمه شود. شرط ضمنی، تعهدی است که در متن عقد ذکر نمی‌شود؛ اعم از آن که پیش از عقد ذکر شود و عقد با لحاظ آن تشکیل شود، یا هرگز ذکر نشود و از اوضاع و احوال و سیره عرفی و سایر قراین مفادش استنباط شود. بنابراین شرط ضمنی را می‌توان به شرط ضمنی بنایی و شرط ضمنی عرفی تقسیم کرد. مثلاً سالم بودن مبیع گرچه در عقد یا پیش از آن شرط نمی‌شود ولی به لحاظ بنای عرفی بر سالم بودن آن، يك شرط ضمن عقد است و از نوع دوم محسوب می‌شود. (محقق داماد، ۱۳۶۴، ص. ۵۳)

پس از بیان نکات ضروری برای تحلیل استدلال‌های نخستین رأی دادگاه تجدیدنظر، در این بخش به تشریح استدلال‌های موصوف پرداخته می‌شود. هدف این است که با تشریح این استدلال‌ها، مبانی که رأی دادگاه تجدیدنظر بر آنها استوار شده است، به‌طور روشن تبیین شود. دادگاه تجدیدنظر با این فرض که در قرارداد صدور چک، تعهد ضمنی یا صریحی مبنی بر ثبت چک در سامانه صیاد وجود دارد، استدلال خود را آغاز می‌کند. دادگاه تجدیدنظر وجود تعهد صریح یا ضمنی در قرارداد صدور چک، مبنی بر ثبت چک‌های تحویل داده شده در سامانه صیاد را فرض می‌گیرد. در نتیجه، نظر به این که اولاً تعهد قراردادی برای شخص متعهد (تحویل‌دهنده چک)، ایجاد مسؤولیت می‌کند و لزوم ایفای آنها را (ثبت چک در سامانه صیاد) در پی دارد و ثانیاً مستند به ماده ۲۳۷ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «هر گاه شرط در ضمن عقد شرط فعل باشد، اثباتاً یا نفیاً، کسی که ملتزم به انجام شرط شده است باید آن را به جا بیاورد و در صورت تخلف طرف معامله می‌تواند به حاکم رجوع نموده تقاضای اجبار به وفای شرط بنماید.» متعهدله (دریافت‌کننده چک) می‌تواند با مراجعه به دادگاه الزام شخصی که از ایفای تعهد خود سرباز زده (تحویل‌دهنده چک) را به انجام آن امر، تقاضا کند، دادگاه تجدیدنظر، تحویل‌دهنده چک را ملزم به ثبت چک در سامانه‌ی صیاد کرده است.

۲-۱-۲-۲. نقد استدلالها

در مقام نقد دو استدلال مذکور دادگاه تجدیدنظر، باید مقدمه‌ای را در خصوص مفهوم قرارداد، اوصاف آن و اصل حاکمیت اراده در قراردادها بیان کرد. قرارداد گونه‌ای عمل ارادی اجتماعی است که نیاز مادی یا معنوی انسان را به طور متقابل بر طرف می‌سازد. وصف ارادی بیان‌گر خاستگاه اصلی قرارداد یعنی اراده انسان است و صفت اجتماعی، ضرورت حضور قانون را برای تحقق و اعتبار قرارداد نشان می‌دهد. نتیجه کوتاه این توصیف، حاکمیت اراده در قرارداد در چارچوب قانون است. (شهیدی، ۱۴۰۱، ص. ۵۵) اینک توضیحاتی در زمینه هر کدام از این اوصاف به صورت اجمالی بیان می‌شود. در انعقاد قرارداد، اراده‌ی فردی نقش مؤثری را ایفا می‌کند. فرد در عقد و عدم عقد قرارداد آزاد است و نمی‌توان او را مجبور به عقد قرارداد کرد. به علاوه، اصولاً افراد می‌توانند به میل خود شرایط ضمن عقد و محتوای قرارداد را تعیین کنند. (صفایی، ۱۴۰۱، ص. ۵۷) وصف دیگر، وصف اجتماعی بودن هست، که براساس آن برای اعتبار یافتن توافق طرفین یک قرارداد تنفیذ قانونی آن الزامی است. توضیح آن که، اراده انسان به تنهایی در اعمال مادی می‌تواند نافذ باشد؛ مثلاً، شخصی به حکم اراده می‌تواند اتومبیلی را به حرکت درآورد و ساختمانی را بنا کند؛ اما در اعمال حقوقی که اعتباری است، به خودی خود نمی‌تواند حاکم و مؤثر باشد. حاکمیت اراده نفوذ و اقتداری است که، قانون از راه اعتبار بخشیدن به اعمال حقوقی انشاء شده به اراده می‌بخشد. هنگامی که دو نفر با هم قراردادی، با رعایت شرایط مقرر قانونی، منعقد می‌کنند، این قانون است که این قرارداد را محترم می‌شمارد و از آن حمایت می‌کند و هرگاه متعهد از تعهد قراردادی خویش سرپیچی کند به درخواست ذی‌نفع او را به انجام تعهد وادار می‌سازد. بنابراین بدون حمایت قانون برای اراده انسان، هیچ‌گونه نفوذ و حمایتی در اعمال حقوقی نمی‌توان شناخت. پای‌بندی‌های شخصی، روانی و عاطفی نسبت به وعده‌ها که صرفاً جنبه اخلاقی است، نمی‌تواند مبنای حاکمیت اراده باشد و به آنچه مورد اراده قرار گرفته است، نفوذ و اعتبار بخشد. (شهیدی، ۱۴۰۱، صص. ۵۷-۵۸) حاکمیت اراده به عنوان یک اصل، در فقه اسلامی که اساس اقتباس مقررات حقوقی ایران است، با عبارت معروف «العقود تابعة للقصود» شناخته شده است. در حقوق ایران نیز با متابعت از فقه امامیه، حاکمیت اراده در قانون مدنی ایران به

عنوان یک اصل، انعکاس یافته و برای قصد انشاء به عنوان خالق عقد و تعیین کننده توابع و حدود آثار آن، نقش اصلی و تعیین کننده شناخته است. (شهیدی، ۱۴۰۱، ص. ۵۵) در این راستا ماده ۱۰ قانون مدنی در مقام بیان اصل حاکمیت اراده مقرر می‌دارد: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد کرده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است.» بنابراین در حقوق ما، همچون حقوق بسیاری از کشورها، اصل حاکمیت اراده در قراردادها پذیرفته شده است. (صفایی، ۱۴۰۱، صص. ۵۶-۵۷)

صدور چک نیز از این اصل مستثنا نیست. توضیح آن که، صدور چک یک عمل حقوقی دوطرفه (عقد) هست که بین صادرکننده و دارنده سند منعقد می‌شود. (توکلی، ۱۴۰۳، ص. ۲۷) در این قرارداد هم اصل بر این است که هر یک از طرفین می‌توانند تعهداتی را بر ذمه خود بپذیرند. منتها اگر تعهد پذیرفته شده، برخلاف قانون باشد، آن تعهد از درجه اعتبار ساقط است. در عمل حقوقی صدور چک، هرگونه توافق شفاهی، کتبی، ضمنی یا صریح مبنی بر تعهد صادرکننده به ثبت چک در سامانه صیاد پس از تحویل فیزیکی آن، مخالف صریح قانون و فاقد اعتبار است. بر این اساس، این که دادگاه تجدیدنظر، در دو استدلال اول رأی خود بر وجود توافق ضمنی یا صریح صادرکننده برای ثبت چک در سامانه صیاد استناد کرده، مورد انتقاد است؛ چراکه اساساً چنین توافقی به دلیل رکنیت ثبت در سامانه صیاد و اناطه تشکیل قرارداد صدور چک به ثبت در سامانه، مخالف قانون و کان لم یکن است. در ادامه مباحث، جهات مخالفت این چنین تعهدی با قانون مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

تمرکز این موضوع حول تبصره ۱ ماده ۲۱ مکرر قانون صدور چک است و در ادامه به تحلیل و بررسی آن پرداخته خواهد شد. تبصره ماده مذکور، در مورد وضعیت چکی که به صورت فیزیکی تکمیل شده، منتها در سامانه صیاد ثبت نشده به طور صریح حکمی را بیان نکرده است. تبصره ماده مورد نظر تنها در جمله ابتدایی خود به این مسأله اشاره می‌کند که: «در مورد برگه چکهایی که از دسته چکهایی ارائه شده پس از پایان اسفندماه سال ۱۳۹۹ صادر می‌شوند، ... در صورتی که مالکیت آنها در سامانه صیاد ثبت نشده باشد، مشمول این قانون نبوده و بانکها مکلفند از پرداخت وجه آنها خودداری کنند...» و قسمت پایانی، تبصره موصوف چنین اعلام می‌دارد: «در کلیه برگه های دسته چکهایی ارائه شده پس از

تاریخ فوق الذکر باید عبارت (صدور و پشت نویسی چک بدون درج در سامانه صیاد فاقد اعتبار است) درج شود.» در قسمتهای قبلی که مورد اشاره قرار گرفت، بیان قانون‌گذار ابهام دارد؛ چراکه در مورد دو عبارت «مشمول این قانون نبوده» و «فاقد اعتبار است» توافق نظر واحدی وجود ندارد و دیدگاهها متفاوت است.

اعمال قانون نسبت به یک مسأله و حل و فصل آن بر اساس قواعد حقوقی به فهم قانون نیاز دارد. (شیروی، ۱۳۹۷، ص. ۲۴۵) در بسیاری از موارد، اجرای قاعده به دلیل عدم صراحت یا وجود نوعی ابهام و تردید در حکم یا موضوع آن یا هر دو، با مشکل مواجه می‌شود و مجری قانون چاره‌ای ندارد جز آن که با تلاشی جدید و مضاعف، به رفع ابهام و تردید از چهره قانون بپردازد تا آن را اجرا کند. (دانش‌پژوه، ۱۳۹۲، ص. ۲۳۵) بر این اساس، برای رفع ابهام از تبصره ۱ ماده ۲۱ مکرر قانون صدور چک، باید به تفسیر آن پرداخته شود، تا پس از روشن شدن موضوع، مشخص شود که علت مخالفت تعهد (صریح یا ضمنی) صادرکننده چک بر ثبت آن در سامانه صیاد چه امری است؟

ابهام و اجمال قانون، گاه از روشن نبودن مفهوم برخی واژگان قانون ناشی می‌شود. (دانش‌پژوه، ۱۳۹۲، ص. ۲۵۱) اگر منطوق قانون چندان روشن نباشد، برای روشن ساختن آن باید از فرهنگهای عمومی و تخصصی و نیز قواعد دستوری و گرامری سود جست؛ یعنی باید معنای صحیح تک‌تک واژگان را یافت و متن قانون را تجزیه و ترکیب کرد تا منطوق متن قانون روشن شود. (دانش‌پژوه، ۱۳۹۲، ص. ۲۴۶) چنانچه بیان شد، در خصوص عبارت «فاقد اعتبار است» اختلاف نظر وجود دارد. قبل از بیان معانی ذکر شده برای این لفظ لازم است که به یک قاعده مهم اشاره شود. به عنوان یک ضابطه کلی، معانی واژگان، عبارتها و جمله‌هایی که در قانون به کار می‌روند، همان است که در بدو امر به ذهن هر شنونده معمولی در آن فرهنگ و زبان خطور می‌کند. (شیروی، ۱۳۹۷، ص. ۲۴۸) در واقع تبادل یک معنا از میان چند معنا نشان‌دهنده این است که این معنا، معنای حقیقی لفظ است؛ (مظفر، ۱۴۰۲، ص. ۴۰) زیرا معنای متبادر در میان معانی مرتبط با این لفظ باید خصوصیتی داشته باشد که به سادگی و پیش از همه آنها به ذهن خطور می‌کند. حال به معانی مختلف این لفظ پرداخته می‌شود. برای کشف مفهوم صحیح لفظ اعتبار به لغت‌نامه مراجعه می‌شود. برای لفظ اعتبار، معانی متعددی ذکر شده است که از جمله آنها

می‌توان به اطمینان و اعتماد دیگران درباره کسی، زمان یا مهلت نافذ بودن چیزی، حق استفاده از وام یا خدمات و خرید کالا بدون پرداخت فوری پول، مبلغ پیش‌بینی شده معینی در بودجه برای انجام کارهای مشخص و ارزش داشتن اشاره کرد. (انوری، ۱۳۸۲، ۴۵۹) پس از مشخص شدن معانی لفظ اعتبار، معنایی که متناسب با سیاق این عبارت به ذهن متبادر می‌شود، معنای ارزش داشتن است. از این رو، اشاره‌ای که در تبصره ۱ ماده ۲۱ مکرر قانون صدور چک شده، مبنی بر این که چک در صورت عدم ثبت در سامانه صیاد فاقد اعتبار است، به این معناست که چنین چکی از ارزش برخوردار نیست. در نتیجه با تفسیر ادبی که صورت گرفت بعدی از ابهام این عبارت برداشته شد.

در این قسمت به تفسیر تاریخی ماده محل بحث پرداخته می‌شود. به این بیان که گاه دادرس یا مفسر برای دریافت مفهوم قانون یا مراد قانون‌گذار چاره‌ای ندارد جز آن که به سوابق مربوط به تصویب قانون مراجعه کند و در صورت لزوم به مطالعه حوادثی بپردازد که به تصویب قانون انجامیده است. (دانش‌پژوه، ۱۳۹۲، ص. ۲۴۶) یعنی در این روش از هدف آن مقرر قانونی برای تفسیر آن می‌توان بهره جست. (توکلی، ۱۴۰۳، ص. ۱۴۴) این که قانون به چه منظوری وضع شده است کمک می‌کند که قانون را بهتر شناخت و تفسیر صحیحی از مفاد آن ارائه کرد. (شیروی، ۱۳۹۷، ص. ۲۶۵) در ادامه مباحث، بر اساس این روش به تفسیر ماده موصوف پرداخته می‌شود. اولین قانون صدور چک در سال ۱۳۵۵ تصویب شد، اما پس از آن، در جهت نیازها و تغییرات جامعه و عرف بازار براساس مصوبات مجلس طی سالهای ۱۳۷۲، ۱۳۸۲، ۱۳۹۷ و ۱۴۰۰ تغییراتی عمده در آن اعمال شد. قانون‌گذار در قانون اصلاح قانون صدور چک مصوب سال ۱۳۹۷ که شاید بتوان از آن به عنوان بنیادی‌ترین اصلاح قانون صدور چک یاد کرد، تلاش کرده تا با تغییر رویکرد اساسی در خصوص به رسمیت شناختن ماهیت کارکرد حقیقی چک در جامعه از یک سو و از طرف دیگر بهره‌مندی از ظرفیتهای موجود در حوزه‌ی فناوری اطلاعات در فرایندهای مربوط به چک، اعم از الکترونیکی کردن فرایند اعطای دسته چک، صدور و انتقال چک و توسعه‌ی چک الکترونیک برای حل مسائل و مشکلات مربوط به چکهای کاغذی برآید. نوآوری‌های اصلاحات اخیر قانون صدور چک که برخی از آنها همچون چک الکترونیکی و ثبت مندرجات چک در سامانه صیاد، همراستا با آخرین تحولات حقوقی و اجرایی چک

در کشورهای پیشرفته محسوب می‌شود، با کاهش ریسک معاملات مبتنی بر چک، آن را از سندی پرریسک و بدنام، به ابزاری مفید و قابل اطمینان برای مبادلات مالی میان اشخاص تبدیل کرده است. (مرادی و نوری، ۱۴۰۱، صص. ۹-۸) بر این اساس، اصلاحات سال ۱۳۹۷ قانون صدور چک، حول محور استفاده از ظرفیتهای فناوری اطلاعات از طریق اعتبارزدایی از فیزیک چک، در راستای تحقق کامل بانکداری الکترونیک و رسیدن به حکمرانی هوشمند، نظارت بر خط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر تمام فرایند استفاده از چک به عنوان ابزار پرداخت رایج و مقابله با جرایمی از قبیل سرقت، کلاهبرداری و جعل است. با همین هدف قانون‌گذار در ماده ۸ قانون اصلاح قانون صدور چک مصوب ۱۳۹۷ سامانه الکترونیکی صیاد را برای صدور و ظهرنویسی چک در قالب ماده ۲۱ مکرر پیش‌بینی نمود. همچنین در این راستا، در تبصره ۱ ماده ۱ قانون صدور چک، به چک الکترونیکی اشاره شده که اساساً وجود خارجی ندارد. این امر بیانگر رویکرد قانون‌گذار برای حذف چک فیزیکی و الکترونیکی کردن آن می‌باشد. چنانچه در بند ج ماده ۱۰ قانون برنامه هفتم پیشرفت، مقرر گردیده که تا سال ۱۴۰۵، چک کاغذی به صورت کامل از شبکه بانکی حذف شود. اما به دلیل وجود موانعی در تحقق این موضوع، در دوره کنونی به عنوان دوره گذار، هر دوی اینها در کنار هم وجود دارند. اکنون پس از تحلیل پیشینه تاریخی و اهداف قانون‌گذار برای انجام اصلاحات نسبت به قانون صدور چک، این بحث روشن می‌گردد که قانون‌گذار به دنبال این هست که نقش صدور چک در سامانه صیاد را پررنگ کند. بر این اساس چنین تفسیرهایی که جایگاه سامانه صیاد را نادیده می‌گیرند، با مبنای وضع چنین مقرره‌ای در تضاد است.

۲-۲-۲. استدلال سوم

۲-۲-۲-۱. تشریح استدلال

حال به تحلیل و بررسی سومین استدلال رأی دادگاه تجدیدنظر پرداخته می‌شود. دادگاه تجدیدنظر در این قسمت اشاره دارد: «برخلاف برخی از نظرها در دکترین حقوقی که الزام به ثبت چک را بی‌فایده دانسته و طرح دعوا مطالبه وجه چک ثبت نشده را توصیه می‌کنند، بایستی دقت کرد که اصل بر آزادی اختیار و اراده اشخاص در انتخاب نوع دعوا بوده و اصل

بر قابل استماع بودن دعاوی است و نمی‌توان اختیار اشخاص را نادیده گرفت. از سوی دیگر استماع دعاوی الزام به ثبت چک در سامانه صیاد آثار قابل توجهی دارد که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: الف) امکان برگشت زدن چک و تحمیل محرومیت‌های مذکور به صادر کننده چک و وادار کردن او به تکاپو جهت رفع محرومیت‌ها و سازش با دارنده چک ب) امکان اخذ قرار تأمین خواسته بدون پرداخت خسارت احتمالی ج) امکان اخذ اجرائیه بدون محاکمه موضوع ماده ۲۳ قانون چک بدون پرداخت هزینه دادرسی قابل توجه د) امکان محاسبه خسارت تأخیر تأدیه چک از تاریخ چک تا زمان وصول ر) امکان محکوم کردن تضامنی نماینده شخص حقوقی طبق ماده ۱۹ قانون چک» استدلال دادگاه تجدیدنظر بر این مبنا استوار است که اولاً در آیین دادرسی، اصل بر قابل استماع بودن دعاوی است و این دعوی هم از این اصل مستثنی نیست. ثانیاً قاضی با تأکید بر آثار مثبت استماع دعاوی الزام به ثبت چک در سامانه صیاد، نشان می‌دهد که این روی‌کرد نه تنها بی‌فایده نیست، بلکه مزایای عملی و حقوقی قابل توجهی برای دارنده چک به همراه دارد. این امر، روی‌کردی حمایتی از حقوق دارنده چک دارد.

۲-۲-۲-۲. نقد استدلال

در مقام انتقاد به مواردی که دادگاه تجدیدنظر در قسمت سوم استدلال‌های خود بدان استناد کرده، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد. نکته اول در ارتباط با استناد دادگاه تجدیدنظر به اصل قابل استماع بودن دعاوی اشاره دارد که در ادامه نکاتی در این زمینه مطرح می‌شود. اگر نظرهای علمی-حقوقی به جای آن که در باره موضوعی معین و مشخصی باشد، موضوعات متعدد و متجانسی را در بر گیرد، به گونه‌ای که چندین قاعده حقوقی را شامل شود، اصول کلی حقوقی نام می‌گیرد. مثل اصل لاضرر، اصل صحت، اصل عدم تأثیر قوانین درگذشته، اصل حاکمیت اراده و اصل لزوم قراردادها. (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص. ۶۲۸) همچون موارد سابق، اصل قابل استماع بودن دعاوی هم یک اصل در نظام حقوق دادرسی ایران است. نکته‌ای که باید مورد دقت قرار گیرد این است که، اصل در جایی قابل استناد است که دلیل قانونی موجود نباشد، همان‌طور که ذکر شده: «الاصل دلیل حیث لا دلیل». در نتیجه، در موضوع مورد بحث، با

توجه به دلایلی که مبنی بر عدم استماع دعوای الزام به ثبت چک وجود دارد، دیگر مناسب نخواهد بود که، به اصول حقوقی مراجعه شود و مبتنی بر آنها اعمال نظر کرد. نکته دیگری که در مقام نقد این استدلال باید بیان شود، در خصوص اقدام نادرست خود شخص دریافت کننده چک است. توضیح آن که، هرگاه شخصی با توجه و آگاهی، عملی را انجام دهد که موجب ورود زیان توسط دیگران به او شود، واردکننده زیان، که شخص دیگری است، مسؤول خسارت نخواهد بود. فقها عدم مسؤولیت واردکننده زیان را مستند به اقدام دانسته‌اند. (محقق داماد، ۱۳۶۴، ص. ۲۲۱) در این وضعیت که دریافت کننده چک، آنها را بدون ثبت در سامانه دریافت کرده است، عملی را به زیان خود انجام داده و در نتیجه آن خود را از دارا شدن یک سند تجاری و مزایای آن محروم کرده است. در نتیجه بر اساس قاعده اقدام و این که حق از خطا تولید نمی‌شود، نمی‌توان به نحوی اعلام نظر کرد که برای شخص خطاکار حقی ایجاد کرد. بنابراین این که دادگاه تجدیدنظر، در رأی خود به آثار مثبت استماع دعوای الزام به ثبت چک در سامانه صیاد اشاره می‌کند، صحیح به نظر نمی‌رسد.

۳-۲-۲. استدلال چهارم

۱-۳-۲-۲. تشریح استدلال

اینک به تحلیل و بررسی آخرین استدلال دادگاه تجدیدنظر پرداخته می‌شود. دادگاه تجدیدنظر در قسمت چهارم رأی خود اعلام داشته: «طبق تبصره ۱ ماده ۲۱ مکرر قانون [صدور] چک «در مورد چکهایی که پس از گذشت دو سال از لازم‌الاجراء شدن این قانون صادر می‌شوند، تسویه چک صرفاً در سامانه تسویه چک (چکاوک) طبق مبلغ و تاریخ مندرج در سامانه و در وجه دارنده نهایی چک براساس استعمال از سامانه صیاد انجام خواهد شد و در صورتی که مالکیت آنها در سامانه صیاد ثبت نشده باشد مشمول این قانون نبوده و بانکها مکلفند از پرداخت وجه آنها خودداری کنند. در این موارد صدور و پشت نویسی چک در وجه حامل ممنوع است و ثبت انتقال چک در سامانه صیاد جای‌گزین پشت نویسی چک خواهد بود. چکهایی که تاریخ صدور آنها قبل از زمان مذکور باشد، تابع قانون زمان صدور است.» مفاد این تبصره بدین معناست که صدور چک امری متفاوت از

ثبت مالکیت آن در سامانه صیاد است.» دادگاه تجدیدنظر با استناد به تبصره ۱ ماده ۲۱ مکرر قانون صدور چک، به این نتیجه رسیده است که صدور چک و ثبت مالکیت آن در سامانه صیاد دو فرآیند مجزا و مستقل از یکدیگر است و به اعتقاد دادگاه تجدیدنظر، قانون‌گذار صرفاً ثبت مالکیت چک در سامانه صیاد را به عنوان یک الزام در نظر گرفته و این امر بیانگر صدور چک نیست.

۲-۳-۲-۲. نقد استدلال

در مقام نقد این استدلال می‌توان به موضوعهای ذیل اشاره کرد. قبل از بیان نقد اول باید نکاتی در خصوص تقسیم عقد از حیث مطلق یا مشروط بودن تأثیر اراده بیان شود. عقد از حیث آزاد یا مشروط بودن خلاقیت اراده به سه نوع، قصدی و تشریفاتی و عینی تقسیم می‌شود. عقد قصدی که به اشتباه در حقوق ایران، عقد رضایی نامیده شده است، عقدی است که در صورت اجتماع شرایط اساسی و اختصاصی معاملات، صرفاً با قصد مشترک طرفین به شرط ابراز و بدون نیاز به امر دیگری تشکیل می‌شود. برعکس، عقد تشریفاتی عقدی است که علاوه بر شرایط اساسی و اختصاصی برای تأثیر اراده ابراز شده در تشکیل عقد، امر یا امور دیگری که تشریفات نامیده شده است، لازم باشد. عقد عینی عقدی است که برای تشکیل آن، تسلیم مورد معامله نیز ضروری است. (شهیدی، ۱۴۰۱، ص. ۸۴) مستفاد از تبصره ۱ ماده ۲۱ مکرر قانون صدور چک، ثبت چک در سامانه صیاد از تشریفات صدور چک است و لذا اگر برگه چک تحویل داده شده، در سامانه ثبت نشده باشد، در اصل چک صادر نشده است؛ چراکه ارکان عقد به طور کامل تحقق نیافته‌اند. حال که مشخص شد ثبت چک در سامانه صیاد به عنوان یکی از مؤلفه‌های صدور چک هست، باید تأکید کرد که، امکان الزام به انجام عناصر قرارداد وجود ندارد، از این منظر، دعوای الزام به ثبت چک در سامانه صیاد مسموع تلقی نمی‌شود. به طور مشابه، در نظام حقوقی ایران موارد دیگری با چنین وضعیتی دیده می‌شوند که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند. نخستین مورد در رابطه با ماده ۱ قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول است. در ماده موصوف بیان شده است: «...»

هر عمل حقوقی اعم از عقد و ایقاع که موضوع یا نتیجه آن انتقال مالکیت عین یا انتقال حق انتفاع (اعم از عمری یا رقبی برای مدت بیش از دو سال) یا انتقال حق ارتفاق اموال غیرمنقول باشد و وقف و نیز انعقاد عقد رهن در خصوص آنها و انعقاد عقود مفید انتقال منافع اموال مذکور برای مدت بیش از دو سال و اجاره به شرط تملیک و هر نوع پیش فروش ساختمان اعم از این که به صورت سهمی از کل عرصه و یا اعیان باشد و تعهد به انجام کلیه اعمال حقوقی مذکور، باید در سامانه ثبت الکترونیک اسناد به ثبت برسد. ...» ضمانت اجرایی که قانون گذار برای عدم ثبت معاملات اشاره شده در ماده مذکور تعیین کرده، به این شرح است که: «... دعاوی راجع به اعمال حقوقی مذکور که ثبت نشده باشد و ادله راجع به آنها، در بخشی که مفید موارد مذکور است، نزد مراجع قضائی، شبه قضایی و داوری قابل استماع نبوده و فاقد اعتبار است. ...» مورد دیگری که در این زمینه قابل اشاره است، ایراد عدم ترتب آثار قانونی به دعواست که در بند ۷ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی به آن تصریح شده است. بدین شرح که، در مواردی حتی اگر خواهان در ادعای خود صادق باشد، ممکن است خواسته دعوا فاقد اثر قانونی باشد. در چنین شرایطی، دادگاه قرار رد دعوا صادر می کند. به عنوان مثال، فرض کنید خواهان دادخواستی علیه خوانده مطرح می کند و ادعا می کند که خوانده مالی را به او هبه کرده است، اما مال به وی تسلیم نشده است. خواهان از دادگاه تقاضا می کند که خوانده را به تسلیم مال محکوم کند. در این حالت، حتی اگر دادگاه به ادعای خواهان رسیدگی کند و صحت اظهارات او را تأیید کند و احراز کند که هبه انجام شده است، باز هم دعوا اثر قانونی نخواهد داشت و قابل پذیرش نیست. در نتیجه، خوانده نیز ملزم به تسلیم مال به خواهان نخواهد بود. دلیل این امر به ماده ۷۹۸ قانون مدنی بازمی گردد که، قبض مال موهوبه را از ارکان اصلی این قرارداد محسوب می کند. به عبارت دیگر، هبه جزء عقود عینی است و تحقق آن منوط به تسلیم مال موهوبه به متهد است و بدون آن، عقد هبه به طور کامل تحقق نمی یابد. از آنجا که الزام به اجرای ارکان عقد (مانند قبض) امکان پذیر نیست، دادگاه نمی تواند خوانده را به تسلیم مال محکوم کند. بنابراین، دعوا در این مورد فاقد اثر قانونی است و قرار رد دعوا صادر می شود. بر این اساس، هر چند که حق دسترسی به دادگاه و قاضی، حقی بنیادین

با پشتوانه فقهی، تاریخی و سازمانی است که تضمین کننده شفافیت و پاسخ‌گویی در نظام قضایی است، (صفائی و درویش‌زاده، ۱۴۰۲، ص. ۶) ولی نمی‌توان هر دعوی را ولو این‌که ارکان اساسی طرح دعوا در آن رعایت شده باشد، قابل استماع دانست. نکته دیگری که در این زمینه می‌توان بدان اشاره کرد، حول بحث تفسیر تحلیلی قوانین و مقررات می‌باشد. توضیح آن‌که، مراد قانون‌گذار را همیشه نمی‌توان در منطوق قانون یافت، بلکه باید آن را در ماورای واژه‌ها جستجو کرد؛ یعنی با توجه به نظم منطقی مواد قانون، عناوین و سرفصلها، ملاحظه سیاق عبارات و مفاهیم موافق و مخالف، می‌توان مراد قانون‌گذار را که در قالب الفاظ نمود یافته است، آشکار ساخت. (دانش‌پژوه، ۱۳۹۲، ص. ۲۴۶) در ادامه مباحث، این ماده از قانون صدور چک، با در نظر گرفتن سایر مواد از قانون موصوف تحلیل می‌شود. قانون‌گذار در ماده ۶ قانون صدور چک، به بحث اعتبارسنجی برای دادن دسته چک تاکید داشته و بیان می‌دارد: «سامانه [صیاد] پس از اطمینان از صحت مشخصات متقاضی با استعلام از سامانه نظام هویت‌سنجی الکترونیکی بانکی و نبود ممنوعیت قانونی، حسب مورد نسبت به دریافت گزارش اعتباری از سامانه ملی اعتبارسنجی موضوع ماده ۵ «قانون تسهیل اعطای تسهیلات و کاهش هزینه‌های طرح و تسریع در اجرای طرحهای تولیدی و افزایش منابع مالی و کارایی بانکها مصوب ۱۳۸۶/۰۴/۰۵» یا رتبه‌بندی اعتباری از موسسات موضوع بند ۲۱ ماده ۱ «قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۰۹/۰۱» اقدام نموده و متناسب با نتایج دریافتی، سقف اعتبار مجاز متقاضی را محاسبه و به هر برگه چک شناسه یکتا اختصاص می‌دهد.» طبق ماده ۶ قانون صدور چک، کلیه دسته چکها باید از طریق اعتبارسنجی صادر شده و به هر ورقه چک مدت اعتبار و شناسه ویژه‌های اختصاص داده می‌شود. برای مثال ممکن است بر مبنای عوامل و مؤلفه‌های متعددی مانند داشتن چک برگشتی، تسهیلات معوقه بانکی، خوش حساب یا بدحساب بودن و... برای شخصی اعتبار ۵۰۰ میلیون تومانی در نظر گرفته شود. در این صورت مجموع چکهای وصول نشده‌ای که او می‌تواند صادر کند، ۵۰۰ میلیون تومان است. برای مثال اگر او یک چک ۲۰۰ میلیون تومانی صادر کند تا زمانی که این چک ۲۰۰ میلیون تومانی پرداخت نشده است، مبلغ چک بعدی این شخص می‌تواند نهایتاً ۳۰۰ میلیون تومان باشد اما بعد از آن که

آن چک ۲۰۰ میلیون تومانی پاس شود، اعتبار آن شخص به حالت قبل باز می‌گردد و می‌تواند مجدداً تا سقف ۵۰۰ میلیون تومان چک صادر کند. با توجه به اعتبار سنجی متقاضیان دسته چک، به آنها دسته چکی با اعتبار مشخصی داده می‌شود. مجموع مبالغ چکهایی که صادرکنندگان چنین چکهایی صادر کرده و هنوز پرداخت نشده‌اند نمی‌تواند از سقف اعتبار مزبور بیشتر باشد، در غیر این صورت در سامانه صیاد چنین چکی قابل صدور نیست. (توکلی، ۱۴۰۳، صص. ۲۶-۲۵) بنابر آن چه گذشت، در صورتی که معتقد باشیم که چک به صرف امضا صادر می‌شود و در سامانه صیاد، صادرکننده صرفاً مالکیت آن را ثبت می‌کند، در طی زمان ممکن است که چالشهایی بروز کند. برای مثال ممکن است که شخصی که سقف اعتبار او ۵۰۰ میلیون تومان است چکی به مبلغ ۳۰۰ میلیون تومان صادر کند و آن را در سامانه صیاد ثبت نکند، سپس چکی به مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان صادر کرده و آن را در سامانه صیاد ثبت کند. حال دارنده چک ۳۰۰ میلیون تومانی دعوای الزام به ثبت چک در سامانه صیاد اقامه کند و این دعوا را طبق نظر مندرج در دادنامه مبحث عنه قابل استماع و درخور صدور حکم بر ذی حقی بدانیم، با این تالی فاسد مواجه می‌شویم که عملاً مجموع چکههای صادر شده و اعتباریات شخص از سقف اعتباری او فراتر می‌رود. در نتیجه این تفسیر دادگاه تجدیدنظر تمام اهداف پیش‌گیرانه قانون برای افزایش ضریب اعتماد چک و صدور چک بر مبنای سقف اعتباری را بلااثر و کان‌لم‌یکن می‌کند.

۳. استدلالهای مؤید عدم استماع دعوای الزام به ثبت چک در سامانه صیاد

در بخش پیشین، استدلالهای دادگاه تجدیدنظر مورد نقد و بررسی قرار گرفت. با این حال، برخی استدلالهای حقوقی وجود دارند که مؤید عدم استماع دعوای الزام به ثبت چک در سامانه صیاد هستند و در چارچوب نقدهای وارد شده به رأی دادگاه تجدیدنظر نمی‌گنجد. این استدلالها، به دلایل مختلفی استماع چنین دعوی را ناموجه می‌دانند. در ادامه، این استدلالها به تفصیل بیان شده و مورد تحلیل قرار خواهند گرفت. این بررسی، نه تنها به تکمیل تحلیل‌های پیشین کمک می‌کند، بلکه دیدگاه جامع‌تری نسبت به موضوع ارائه خواهد داد.

۱-۳. دکترین

نظریات صاحب‌نظران و نویسندگان حقوقی که از کتب، مقالات، طرح‌های تحقیقاتی و سخنرانی‌های ایشان قابل استخراج است، به عنوان تفسیری از قوانین و مقررات، قابل اتکا و اعتماد است. البته برای قاضی لازم‌الاتباع نیست. قاضی در مقام قضاوت، صاحب رأی است و استقلال قضائی او ایجاب می‌کند که نظر سایر استادان و حقوق‌دانان برای او الزام‌آور نباشد، هرچند می‌تواند به عنوان الگویی برای استدلال صحیح قاضی مورد استفاده قرار گیرد. (توکلی، ۱۴۰۳، ص. ۱۰۱) علمای حقوق، برخلاف مقامات تقنینی، اجرایی و قضایی فاقد انگیزه حاکمیتی هستند، لذا تفاسیر آنان نسبت به مراجع وابسته به حاکمیت از دقت و شفافیت بیشتری برخوردار است. (اسلامی‌پناه، ۱۳۹۹، ص. ۴۲۸)

در ادامه به یکی از موارد دکترین حقوقی در خصوص موضوع حاضر اشاره می‌شود. دکتر اسکینی به عنوان یکی از استادان مسلم حقوق تجارت، در این زمینه بیان می‌کند: «چک صیادی، اگر در سامانه ثبت نشود دیگر چک تلقی نمی‌شود، زیرا برای آن که ورقه، چک تلقی شود، باید در سامانه ثبت شود و برای آن که در سامانه ثبت شود، ورقه باید متضمن مندرجات و اطلاعات منعکس در مواد ۳ و ۴ دستورالعمل ماده ۶ قانون صدور چک باشد. در چنین شرایطی مفهوم عبارت «مشمول این قانون نمی‌شود»، معادل می‌شود با بطلان چک و عدم قابلیت اجرای قانون صدور چک و قانون تجارت بر آن. آن چه برای دارنده باقی می‌ماند رجوع به امضاکنندگان چک بر اساس مقررات عام حقوق مدنی است.» (اسکینی، ۱۴۰۲، ص. ۲۴۴)

۲-۳. نظریه مشورتی

در قوه قضاییه بخشی به نام اداره حقوقی قوه قضاییه، وجود دارد که با استفاده از گروه‌های کارشناسی و صاحب‌نظران خود به استعلامات و سوالات مطروحه پاسخ می‌دهد. گرچه این نظرها معمولاً از سوی محاکم مورد استقبال واقع می‌شود ولی لازم‌الاتباع نیست. (توکلی، ۱۴۰۳، ص. ۱۰۱) با وجود این این تفاسیر به لحاظ این که توسط اشخاصی با تجربه علمی و عملی صادر می‌شوند، عملاً تا حدود زیادی در محاکم مورد اتباع و استناد قرار می‌گیرند. در ادامه، دو مورد از نظریات مشورتی صادرشده در زمینه موضوع مورد

بحث بیان می‌شود که در آنها بر عدم استماع دعوای الزام به ثبت چک در سامانه صیاد تأکید شده است.

در نظر مشورتی شماره ۱۴۷۸/۱۴۰۰/۷ مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۵ اداره حقوقی قوه قضائیه اعلام کرده است که: «الف- در فرض سوال که طبق توافق، قرار بر تحویل چک بابت ایفای تعهدات قراردادی یا پرداخت دین بوده و صادرکننده چک بدون ثبت آن در سامانه صیاد، چک را تنظیم و تحویل دارنده کرده است، دارنده نمی‌تواند دعوای الزام صادرکننده به ثبت چک در سامانه صیاد را اقامه کند؛ زیرا اولاً، مستفاد از تبصره اصلاحی ماده ۲۱ مکرر ۱۴۰۰/۰۱/۲۹ قانون صدور چک، ثبت در سامانه صیاد از شرایط صدور چک است و لذا اگر در زمان صدور چک، در این سامانه ثبت نشده باشد، چک یادشده از شمول قانون صدور چک خارج است. ثانیاً، برابر تبصره اصلاحی یادشده، قید عبارت «صدور و پشت‌نویسی چک بدون درج در سامانه صیاد فاقد اعتبار است» در متن چک الزامی است و دارنده‌ای که به رغم قید این عبارت در چک و بدون رعایت این ترتیبات چک را پذیرفته است، عملاً خود را از مزایای قانونی محروم کرده است و لذا دعوای وی دایر بر الزام صادرکننده به ثبت چک در سامانه صیاد مسموع نیست...» همچنین اداره حقوقی قوه قضائیه، در نظر مشورتی شماره ۱۴۰۱/۰۵/۷ مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۲، دقیقاً به همین امر تأکید کرده است.

۳-۳. بخشنامه بانک مرکزی

بانک مرکزی به عنوان نهاد ناظر و مقررگذار بر حوزه بانکی، در خصوص چکهایی که در سامانه صیاد ثبت نشده‌اند، بخشنامه شماره ۱۱۷۵۳۳ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۱۱ را زمینه تعیین تکلیف برای چکهایی ثبت نشده در سامانه صیاد صادر کرده است. بخشنامه مذکور بیان می‌دارد: «این اعلامیه [عدم ثبت برگه چک در سامانه صیاد] بدون درج کد رهگیری و در قالب و شکلی متمایز گواهی‌نامه‌های عدم پرداخت چک است و صرفاً مؤید و متضمن عدم امکان اقدام بر روی چک به دلیل ثبت نشدن در سامانه صیاد است.» بخشنامه مذکور در راستای حل مشکل نکول و به عنوان سند نکول، نزد مراجع قضایی صادر شده؛ چراکه با عدم صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت توسط بانک محالاً علیه، مرجع قضایی هیچ دلیلی نسبت به نکول از پرداخت چنین چکی نداشت. این چالش با صدور گواهی‌نامه عدم ثبت

چک در سامانه صیاد حل شد. در نتیجه دادگاه می‌تواند مستند به آن، فرایند رسیدگی به این سند مدنی نکول شده را آغاز کند. صدور گواهینامه عدم ثبت چک در سامانه صیاد، دلیلی است بر این که از اساس چنین سندی به عنوان چک از منظر حقوق بانکی لحاظ نمی‌شود.



نتیجه گیری

با توجه به استدلالهای مطرح شده از سوی دادگاه تجدیدنظر، هر چند رأی صادر شده از پشتوانه‌هایی حقوقی برخوردار است، اما تحلیل دقیق مقررات حاکم بر صدور چک نشان می‌دهد که بنیادهای استدلالی رأی یاد شده با ساختار حقوقی و هدف گذاری قانون گذار در اصلاحات اخیر قانون صدور چک سازگاری کامل ندارد. بررسی تبصره ۱ ماده ۲۱ مکرر قانون صدور چک و سایر مقررات مرتبط، نشان داد که ثبت چک در سامانه صیاد نه یک تعهد جنبی یا توافقی، بلکه رکن اساسی تحقق صدور چک در نظام حقوقی ایران محسوب می‌شود، به طوری که عدم ثبت آن، سبب خروج چک از شمول قانون صدور چک و تبدیل آن به یک سند عادی می‌شود. در نتیجه، دادگاهها نمی‌توانند الزام به ثبت چک را به عنوان یک تعهد مستقل بر عهده صادرکننده قرار دهند.

علاوه بر این، تفسیر منسجم مواد قانونی و بررسی نظرهای مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه نیز این دیدگاه را تقویت می‌کند که دعوای الزام به ثبت چک در سامانه صیاد، فاقد مبنای حقوقی معتبر بوده و از اساس غیر قابل استماع است. بخشنامه‌ها و دستورالعملهای بانک مرکزی نیز آشکارا تصریح کرده‌اند که چک ثبت نشده در سامانه، مشمول مقررات چکهای صیادی نیست و خارج از قلمرو قانون صدور چک است و به عنوان یک سند تجاری معتبر قابل شناسایی نیست. در نتیجه، پذیرفتن آن از سوی دارنده، به معنای پذیرش آگاهانه مخاطرات حقوقی و سقوط مزایای قانونی سند تجاری خواهد بود.

اهمیت این تحلیل زمانی برجسته تر می‌شود که رأی وحدت رویه شماره ۸۷۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور^۱ نیز همین برداشت حقوقی را تأیید کرده است. دیوان عالی با تصریح

۱. «مستفاد از تبصره یک اصلاحی مورخ ۱۳۹۹/۰۱/۱۴ الحاقی به ماده ۲۱ مکرر قانون صدور چک، درج عبارت «صدور و پشت نویسی چک بدون درج در سامانه صیاد فاقد اعتبار است» در برگه چک های صادره از دسته چک هایی که پس از پایان اسفند ۱۳۹۹ ارائه می شوند، الزامی بوده و تسویه آنها منوط به ثبت در «سامانه چکاوک» بر اساس مبلغ و تاریخ مندرج در سامانه مذکور است و چنانچه در زمان صدور، مالکیت آن در سامانه ثبت نشده باشد، از شمول مقررات قانون چک خارج است. بنابراین اگر دارنده برگه چک، علی رغم درج این عبارت در چک، بدون ثبت در سامانه آن را پذیرفته باشد، به ضرر خود اقدام نموده و از مزایای قانونی چک محروم کرده است. در نتیجه، دعوای وی مبنی بر الزام صادرکننده به ثبت چک در سامانه، قابلیت استماع ندارد. بنا به مراتب، رأی شعبه سی و دوم دادگاه تجدیدنظر استان تهران تا حدی که با این نظر انطباق دارد با اکثریت آراء اعضای هیأت عمومی

بر این که ثبت چک در سامانه صیاد شرط اعتبار و شمول قانون صدور چک است، اعلام می‌کند که دعوای الزام به ثبت چک قابلیت استماع ندارد و دارنده‌ای که چک ثبت‌نشده را پذیرفته، به زیان خود اقدام کرده است. این رأی وحدت‌رویه نشان می‌دهد که استدلال‌های مبتنی بر عدم امکان استماع دعوای الزام به ثبت چک، بر پایه‌ای منسجم و سازگار با ساختار قانونی است و رویه قضایی نیز در نهایت در راستای همین تفسیر یکپارچه قرار گرفته است.



صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.»

فهرست منابع

۱. اسلامی پناه، علی، (۱۳۹۹)، مقدمه علم حقوق، تهران: گنج دانش.
۲. اسکینی، ربیعا، (۱۴۰۲)، حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک)، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت).
۳. انوری، حسن، (۱۳۸۲)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۲)، حقوق تعهدات، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.
۵. دانش پزوه، مصطفی، (۱۳۹۲)، مقدمه علم حقوق با روی کرد به حقوق ایران و اسلام، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۶. توکلی، محمد مهدی، (۱۴۰۳)، منظومه چک، تهران: مکتوب آخر.
۷. توکلی، محمد مهدی، (۱۴۰۳)، مقدمه علم حقوق، تهران: مکتوب آخر.
۸. شهیدی، مهدی، (۱۴۰۱)، تشکیل قراردادها و تعهدات، تهران: میزان.
۹. شیروی، عبدالحسین، (۱۳۹۷)، مقدمه علم حقوق، تهران: میزان.
۱۰. صفایی، سیدحسین، (۱۴۰۱)، قواعد عمومی قراردادها، تهران: میزان.
۱۱. صفائی، سید حسین و درویش زاده، محمد. (۱۴۰۲). فضیلت در دسترس بودن قاضی. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۶(۱۸)، ۹-۶. doi: 10.22034/law.2023.705317.
۱۲. قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۲۱ مجلس شورای اسلامی با اصلاحات بعدی.
۱۳. قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول مصوب ۱۴۰۳/۰۲/۲۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۴. قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۰۴/۱۶ مجلس شورای ملی با اصلاحات و الحاقات بعدی.
۱۵. قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۰۲/۱۸ مجلس شورای ملی با اصلاحات و الحاقات بعدی.
۱۶. کریمی، عباس و درویش زاده، محمد جواد. (۱۴۰۴). واکاوی آراء دادگاه های دادگستری استان تهران در خصوص الزام به ثبت چک در سامانه صیاد. دو فصلنامه نقد و تحلیل آراء قضایی، ۴(۷)، ۳۵۳-۳۲۱. doi: 10.22034/analysis.2025.728261.
۱۷. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۶)، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۱، تهران: گنج دانش.
۱۸. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۶)، نظریه عمومی تعهدات، تهران: میزان.
۱۹. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۷)، فلسفه حقوق، جلد ۳، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۰. مرادی، یاسر و نوری، محمد، (۱۴۰۱)، چک؛ نکات کاربردی؛ از صدور تا پرداخت، تهران: اندیشه ارشد، تهران: دادبانان.

۲۱. محقق داماد، سیدمصطفی، (۱۴۰۴)، قواعد فقه (بخش مدنی)، جلد ۱، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۲. محقق داماد، سیدمصطفی، (۱۴۰۲)، قواعد فقه (بخش مدنی)، جلد ۲، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۳. محقق داماد، مصطفی، قنواتی، جلیل، وحدتی شبیری، حسن و عبدی پور، ابراهیم، (۱۳۷۹)، حقوق قراردادهای در فقه امامیه، جلد ۱، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت).
۲۴. مظفر، محمدرضا، (۱۴۰۲)، اصول الفقه، قم: بوستان کتاب.

References

1. Eslami-Panah, A. (2020). Introduction to Law. Tehran: Ganj-e Danesh. (in Persian)
2. Eskini, R. (2023). Commercial Law (Bill of Exchange, Promissory Note, Warehouse Receipt, Bearer Instruments, and Cheque). Tehran: Samt. (in Persian)
3. Anvari, H. (2003). Sokhan Great Dictionary. Tehran: Sokhan. (in Persian)
4. Jafari-Langarudi, M. J. (1993). Law of Obligations (Vol. 1). Tehran: University of Tehran Press. (in Persian)
5. Danesh-Pazhouh, M. (2013). Introduction to Law with an Approach to Iranian and Islamic Law. Qom: Hawzeh & University Research Institute; Tehran: Samt. (in Persian)
6. Tavakoli, M. M. (2024). The Cheque System (Manzumehek). Tehran: Maktub-e Akhar. (in Persian)
7. Tavakoli, M. M. (2024). Introduction to Law. Tehran: Maktub-e Akhar. (in Persian)
8. Shahidi, M. (2022). Formation of Contracts and Obligations. Tehran: Mizan. (in Persian)
9. Shiravi, A. (2018). Introduction to Law. Tehran: Mizan. (in Persian)
10. Safaei, S. H. (2022). General Rules of Contracts. Tehran: Mizan. (in Persian)
11. Safaei, S. H., & Darvishzadeh, M. (2023). "The Virtue of the Judge's Accessibility." Journal of Research and Development in Comparative Law, 6(18). doi: 10.22034/law.2023.705317 (in Persian)

12. Civil Procedure Code of Iran, enacted 9 April 2000, with subsequent amendments. (in Persian)
13. Law on Mandatory Official Registration of Real Property Transactions, enacted 15 May 2024, Expediency Council. (in Persian)
14. Law on Issuance of Cheques, enacted 7 July 1976, with subsequent amendments. (in Persian)
15. Iranian Civil Code, enacted 8 May 1928, with subsequent amendments. (in Persian)
16. Karimi, A., & Darvishzadeh, M. J. (2025). "An Analysis of Judicial Decisions of Tehran Courts Regarding Actions for Compulsory Registration of Cheques in the Sayad System." *Semi-Annual Journal of Judicial Decisions Review and Analysis*, 4(7). doi: 10.22034/analysis.2025.728261. (in Persian)
17. Katouzian, N. (1997). *General Rules of Contracts (Vol. 1)*. Tehran: Ganj-e Danesh. (in Persian)
18. Katouzian, N. (1997). *General Theory of Obligations*. Tehran: Mizan. (in Persian)
19. Katouzian, N. (1998). *Philosophy of Law (Vol. 3)*. Tehran: Sherkat-e Sahami Enteshar. (in Persian)
20. Moradi, Y., & Nouri, M. (2022). *Cheque: Practical Notes from Issuance to Payment*. Tehran: Andisheh Arshad; Tehran: Dadbanan. (in Persian)
21. Mohaghegh-Damad, S. M. (2025). *Jurisprudential Maxims (Civil Section), Vol. 1*. Tehran: Markaz-e Nashr-e Olum-e Eslami. (in Persian)
22. Mohaghegh-Damad, S. M. (2023). *Jurisprudential Maxims (Civil Section), Vol. 2*. Tehran: Markaz-e Nashr-e Olum-e Eslami. (in Persian)
23. Mohaghegh-Damad, M., Ghanavati, J., Vahdati-Shabiri, H., & Abdi-Pour, E. (2000). *Contract Law in Imamiyyah Jurisprudence (Vol. 1)*. Tehran: Samt. (in Persian)
24. Mozaffar, M. R. (2023). *Principles of Islamic Jurisprudence (Usul al-Fiqh)*. Qom: Bustan-e Ketab. (in Arabic)